

مجلس میدان تاخت و تاز علیه

کمونیست ها

سیر مباحثات درون مجلس بیش از پیش پرده از چهره پلید کسانی بر میدارد که خود را بناحق نمایندگان مردم مینامند. ظاهراً بحث بر روی اعتبارنامه های افراد مختلف است که هر کدام سرشان به جناحی از هیئت حاکمه وصل می باشد. برای بقول معروف رو کم کردن پته های یکدیگر را بر روی آب می اندازند و بعد از خط و نشان کشیدن سرانجام اعتبارنامه را تصویب میکنند. اما چگونه

است که اینان بالاخره باهم به توافق می رسند؟ آن خط اصلی که اینان را بیکدیگر متصل میکند، کدام است؟

بهنگام بررسی اعتبارنامه احمد غضنفریور نماینده لنجان، که از طواهر امر چنین بر می آید که در جناح بنی صدر جای دارد، برخی از نمایندگان باوی به بقیه در صفحه ۲

زنجیر روی زمین اتص
پیکار خلق

۴۷

یکشنبه ۵ مرداد ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

ابعاد توطئه علیه خلق کرد

سپاه پاسداران یکی از زمینه هائی است که جناحهای قدرتمند حاکم برای تسلط بر آن با یکدیگر به رقابت برخاسته و میکوشند با تحقق این تسلط، قدرت خود را بیشتر نمایند. دیدیم که فرماندهان مختلف یکی پس از دیگری بر روی کار آمدند. اما آنچه که بوضوح مشهود بود، این بود که جناح حزب جمهوری اسلامی در موضع تسلط بوده و هرآنگاه فردی برای فرماندهی از سوی بنی صدر معرفی میشود، با مخالفت این

جناح روبرو میگردد. کما اینکه بنی صدر ابوشریف را برگزید و دیری نپائید که از سوی فرماندهان رده های پائینتر طبق صاحب هائی که انجام گرفت، اعلام شد که انتخاب ابوشریف مطابق میل آنان نیست. بهر حال، چندی است که رضائی بعنوان فرمانده جدید سپاه پاسداران منصوب شده است. وی کسی است که بگفته خود در جنگ پاوه شرکت داشته و مسئول عملیات غرب بوده است و بعد هم بعنوان قائم مقام سپاه در تبریز مشغول کار بود.

رضائی در روز چهارشنبه اول مرداد در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد تا بقول معروف خودی نشان بدهد. خبر نگاری سؤال میکند "میدانید امام اشاره به ضرورت همکاری ارتش و سپاه داشتند، حال این همکاری چگونه صورت میگیرد؟" رضائی پاسخ میگوید: "..... ما اینکار را با تشکیل ستاد هماهنگی که در کردستان میان ارتش و بقیه در صفحه ۳

تقی شهباز، کمونیست و

انقلابی مبارز بدست درخیمان

جمهوری اسلامی شهید شد

یادش گرامی باد

ارتجاع برای رهائی از ورشکستگی سیاسی

به مبارزین حمله میکنند

راستی چرا سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از آگاهی توده ها اینقدر وحشت و بیم دارند؟ هرچا سخن از سیاست بمیان می آید، آنها میکوشند با ایده های کهنه شده و

ارتجاعي خود اصل مطلب را وارونه جلوه داده و همچنان افکار توده ها را در میان غیاری از اوهام نگه دارند و برای حل مسائل اجتماعی معیارهای کاذب و غیر واقعی در آن ها تزریق نمایند. علت

این تلاش برای توده های آگاه روشن می باشد. رژیم جمهوری اسلامی حافظ نظام

بقیه در صفحه ۲

خجسته یاد خاطره شهیدای

۳۰ تیر ۱۳۳۱

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی

www.peykar.org

ارتجاع برای ...

سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بود و تلاش در ترمیم خرابیهائی مینماید که در اثر قیام شکوهمند توده هابراین نظام وارد آمد بود. هر آنکس که بخواهد بهراندازه نسبت به توان طبقاتی خویش، پوسیدگی و نارسائیهای این نظام را افشاء نموده و توضیح دهد، مورد حمله حافظان این سیستم ضد خلقی قرار میگیرد. یعنی درست بهمین دلیل و بخاطر حفظ قدرت سیاسی خویش است که دست به سرکوب همه جانبه میزند. تبریز این شهرگرد پرورد روز شنبه ۲۸/۴/۵۹ شاهد یکی از این سرکوبیها بود.

حدود ساعت ۷ بعد از ظهر چند نفر از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق بهنگام پخش و چسباندن اعلامیه به دیوار خیابان خمینی مورد حمله فالانژها (جیرم خواران حزب جمهوری اسلامی) قرار میگیرند یکی و نفر از مجاهدین بضرب چاقو بشدت از ناحیه سر و گردن زخمی میشوند. بعد از اجتماع مردم، فالانژها که خود را منزوی تر میبینند، پاسداران را بیاری خود میطلبند. بگریوبند بجاهدین شروع میشود. فالانژها بکمک پاسداران و یوزی و ژ-۳ چند نفر را که قبلا شناسائی کرده بودند، از میان مردم بزن میکشند تا به شکجه گاههای جمهوری اسلام ببرند. مقاومت شروع میشود و مردم پشتیبان از دستگیرشدگان پاسداران راهو میکنند. تیراندازی هوائی برای متفرق کردن مردم شروع میشود. اما دیگر این امر برای مردم هم عادی شده است. پاسداران فحشهای راکه سزاوار خودشان است تثار مردم میکنند و بزیر اسلحه پنج شش نفر را سوار ماشین می نمایند. لازم بتذکر است که تمام فالانژها همان کسانی بودند که هر روز در خیابانها ولو بوده و روزنامه دیواری را اعلامیه نیروها مرقی و کمونیست را پار می کنند و فروشندگان روزی نامه ارتجاعی "منافقین" هستند.

بعد از بردن دستگیرشدگان حدود ششصد نفر دست به تظاهرات میزنند. پاسداران بانبروی بیشتری حمله گرازاو خود را شروع میکنند. بگریوبند خوک و ارفالانژهاویاس در آن تا ساعت ۹ شب ادامه داشت و هر بار با مقاومت مردم روبرو میشدند. آنهاضعف

۱ بعد از قوه

در آورده و هردو جناح هیئت حاکمه در زیر پیکار بحق خلقهای ایران، دست یگانه بگرامیفشارند و پیمان وحدت میدهند. وحدت ارتش و سپاه پاسداران و د فتر ریاست جمهوری و طرح مشترکی که برای سرکوبی خلق کرد پیاده مینمایند، نمونه ای از این میثاق ننگین است.

حال باید دید کسانی که چشم بسته "تلاشهای مثبت" بنی صدر و مورد مسئله کردستان دوخته اند، بابر ملاشدن این طرح مشترک و نقشی که مستقیماً رئیس جمهور در پیگیری آن دارد، باز هم به "تلاشهای مثبت" بنی صدر بدیده تحسین مینگرند؟

خود را در برابر مردم باگلوله و اسلحه های آمریکائی و اسرائیلی جبران مینمودند. یکی از پاسداران به همکاران جنایت پیشه خود میگفت چند نفر را از باگلوله بزنیم تا متفرق شوند. پاسداران هر کس را که شعار میداد میگرفتند ولی مقاومت مردم باعث شد که آنها هاج و واج در وسط خیابان به گشت دارو مانند خود مشغول باشند. فالانژها گاهی شعارهایی میدادند تا شاید مردم از آنها حمایت کنند اما کوچکترین پشتیبانی از طرف مردم نمیشدند. این حادثه وعدم حمایت مردم از فالانژها و پاسداران بار دیگر در شکستگی سیاسی رژیم ضد خلقی رانشان میدهد و اینکه هر روز توده های وسیعی از خلق دل از رژیم جمهوری اسلامی میکنند و در مقابل به صف انقلابیون می پیوندند.

مجلس میدان

مخالفت برمیخیزند. از جمله فواد گرمی ظاهر آن لایل کافی برای رد اعتبار نامه غضنفریور داشت. جالب است به یکی از دلایل توجه کنیم: "آقای غضنفریور تمایلات مارکسیستی و مائوئیستی داشته...". شاید این بدترین اتهامی باشد که به نماینده لنجان زده میشد و این دیگر برای وی اصلاً قابل تحمل نیست. پس باید نشان داد که اینچنین نیست و آقایان نمایندگان در اشتباهند و حال دفاع ایشان: "... من در بررسیهای خود نشان دادم که چرامشی مارکسیستی به تناقضهای عقیدتی بستگی دارد و نه به شکل حکومت و چگونه است که در شورای انقلاب کبیره دیکتاتوری استالین تبدیل میشود...". متوجه شدید آقای گرمی؟ ایشان همیشه موضع ضد کمونیستی داشته و در "بررسیهای خود" به مشی مارکسیستی بارها تاخته اند و دقیقاً یکی از فاکتورهای مثبت ایشان برای نماینده شدن همین جنبه بوده است که شما همه تان بر سرش توافق نظر دارید. پس این "وصله" به ایشان نمی چسبد. بقول معروف قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را؟ اما باید بیش از این موضع ضد کمونیستی را برجسته کرد تا از نمایندگان محترم! باخاطر آسوده بیشتری آراء مثبت را جمع آوری نمود! باید به کمک غضنفریور برخاست. پس نماینده اصفهان صلواتی که فرماند ارسابق این شهر است، به کمک برمیخیزد. کمک فاع: "... اینکه در مجلس عنوان شده که غضنفریور اهل نماز نیست من شهادت میدهم که ایشان از اول نماز میخواندند و در زمانی که فرماند اراصفهان بودم ایشان آماده همکاری با ما بودند و با تحقیقی که کردم دیدم فرد صالحی است و گروه ضد کمونیستی تربیت کرده است...". باری نماینده اصفهان بیخود زحمت تحقیق را بخود داده است. "بررسیهای" غضنفریور نشان میدهد که ایشان "فرد صالحی" هستند! اما جان کلام اینجاست که اینک مردم نمایندگان خود را بهتر بشناسند و ببینند چه کسانی قریب دفاع از "مستضعفین" را بر میدارند. بد نبود اگر کارنامه "گروه ضد کمونیستی" تربیت شده بوسیله غضنفریور را هم ارائه میدادند تا ضده کمونیست بودن ایشان برای آقایان نماینده بیشتر ثابت میشد. البته باز هم برای اینکارا بیشتر ی کسب نمایند، وگرنه ملت ایران بخوبی از کارنامه سیاه گروههای ضد کمونیستی اطلاع دارند. وقتی این گروهها به اجتماعات نیروهای مرقی، فائزسانهای انقلابی تحضن ها و تظاهرات بحق مردم در نقاط مختلف، حمله ور میشوند، بارها اعلام کردیم که سرخ این گروههای مهاجم بدست دست اندرکاران حکومت است و این برنامه ها از سوی آنان طرح ریزی شده و بمورد اجرا گذاشته میشود. حال خود اعتراف می کنند که این

ابعاد توطئه ...

سپاه پاسداران ایجاد کرده ایم، دنبال میکنیم. " براسی که اینان مجریان خوبی برای فرمان امام هستند. امام فرمان حمله به کردستان را صادر میکند و اینان بفریت دست بکار میشوند. سرکوب در کردستان آغاز میگردد و در این میان نیز دعوای جناحهای حاکم بر سرچگونگی حل مسئله کردستان بالا میگردد. ارتش و سپاه پاسداران سیمانه به قتل عام خلق کردی پرداختند و گاه دست به عملیاتی جدی میزنند که بیانگر اختلاف جناحهاست. اما اینکه هر دو جناح نقش سرکوبگرانه خود را خوب ایفا میکنند، هنوز نتوانسته اند آتش انقلاب کردستان قهرمان را خاموش سازند. پس باید چاره بهتری اندیشید و دست از اختلافات درونی برای پیشبرد مقاصد شوم خود در کردستان برداشت و آن اینکه ارتش و سپاه پاسداران متحد تر عمل نمایند و طبق برنامه ریزی مشترک پیش روند. این برنامه مشترک هم در همه سطوح، از سطح تبلیغاتی گرفته تا اعدام و شکنجه مبارزین و محاصره اقتصاد، باید اجرا شود. بهمین جهت نیز ستاد مشترکی در کردستان تشکیل می گردد تا با اصطلاح آن وحدتی را که امام خواسته است بوجود آورند. اما اضافه باید کرد که این ستاد قبل از فرماندهی رضائی بین ارتش و سپاه پاسداران و دفتریاست جمهوری تشکیل شده بود منتها ایشان به عنوان قائم مقام سپاه در تهران در آن نقش بازی میکردند و اینک نیز بعنوان "افتخار" خود از آن نام میبرند. حال ببینیم این "ستاد هماهنگی" مشخصاً در کردستان بپا خاسته چه طرحهایی را تصویب و بمسود اجرا گذاشته است؟

اخیراً طرح مشترک ۱۹ ماده ای ارتش و سپاه پاسداران و مشاور دفتریاست جمهوری بدست نیروهای انقلابی افتاده است.

این طرح از سوئی بیانگر اتحاد عمل ارکان ه ای ضد خلقی و سرکوبگر در کردستان قهرمان است و از سوی دیگر ابعاد گسترده توطئه علیه خلق بپا خاسته گردانندگان میدهد. بد نیست بند هائی از این طرح مشترک را ذکر نماییم.

بنده ۱۰ - " مسائل کردستان باید از دید تبلیغاتی از نظر سایر اقلیتهای قومی دیگر بی اهمیت جلوه داده شود و رادیو - تلویزیون آنها بایی قیدی تلقی نماید. "

بنده ۱۱ - " چون خود مختاری کردستان باعث از هم پاشیدگی وحدت اسلامی و عدم حاکمیت دولت در جمهوری اسلامی است و لذا این مسئله با انقلاب اسلامی سرسازش ندارد باید این افکار ملی گرایانه را برای همیشه نادیده گرفت. "

بنده ۱۲ - " کوشش نمودن در ارتش افسران کرد زبان که در خدمت نظامیند به نقاط دیگر انتقال داده شود تا از تحریکات در بین ارتش دور باشند. "

بنده ۱۳ - " حلقه محاصره راد کردستان تفکرتنظیم. "

بنده ۱۴ - " افراد آگاه و مسئول سه گروه سیاسی را بدام اندازیم. "

بنده ۱۵ - " با اعدام افراد ضد انقلاب باعث تشویق و حرمان کردستان شویم. "

بنده ۱۶ - " دولت باید نوار کمربندی کردستان را تقویت بخشد تا بتوان از این طریق جنبش ملی را داخل بزانو در آورد. "

درست به بند های طرح فوق نگاه کنید. طبق این طرح برای آنکه خلقهای دیگر ایران چون ترک، عرب، ترکمن و... با تاثیر پذیری از قهرمانیها و اعمال آگاه گرایانه خلق کرد، بیانخیزند، مسئله کردستان میبایستی در راد و تلویزیون و مطبوعات بسیار بی اهمیت جلوه داده شود. بسی خیال خام! چرا که این مرتجعین هنوز به اهمیت جنگهای ملی - طبقاتی و جبری بودن چنین جنگهایی، بی نبرد ماندن خلقهای عرب، ترکمن و... بواسطه ظلم و جور که سالیان سال بر آنها روا شده است، برخاسته اند و به جنگ ملی - طبقاتی خود به اشکال گوناگون ادامه می دهند و در این میان بهر طریقی که شده اخبار مبارزات یکدیگر را دریافت میکنند. سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی خود مختاری را موجب از هم پاشیدگی وحدت کشور میدانند اما این یک عوامفریبی بیش نیست. چنانچه خود بیش از همه موجب تفرقه و کشمکش بوده و جو تحریک آمیز را برای گسترش تفرقه در امن میزنند. خود مختاری برای خلقها از آنجاست که برای ارتشهای قوی ملی و ضد امپریالیستی است و وحدت خلقها را نیز

در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم در بر دارد و دقیقاً از همین جهت مسود تنفر هیئت حاکمه است و بنابراین با هزار و یک دلیل و باطرق گوناگون مبارزه میکند این مبارزه یک مبارزه طبقاتی است که پیروزی نهائی از آن خلقهای ایران است. هیئت حاکمه برای کسب پیروزی در کردستان تجربیات استعمارگر امپریالیسم آمریکارا بکار میبندد که در بند ۱۵ شاهد آن هستیم. حلقه محاصره اقتصادی راد دولت ضد خلقی مدتهاست که تنگ تر میکند. این همان عمل جنایتکارانه امپریالیسم آمریکاست. در ویتنام است. حکومت ضد خلقی فکسر میکند آنچنانکه در بند های دیگر آمد ماست باترور " افراد آگاه و مسئول " یعنی انقلابیون پاکبخته کرد میتوانند جنگ عادلانه خلق کرد را به قهرنیستی بکشاند. اما آریسم جنایتکار شاه که در چهار هیئت انقلابی راد دست جلادان خود به شهادت رسانید پیروز شد تا خلف زادگان وی موفق گردند؟ این طرح خائنانه از سوئی نیز داد و قال تبلیغاتی هیئت حاکمه راد زمینه کمک به مردم کردستان نقش بر آب میکند. هیئت حاکمه پس از حمله سیمانه خود به کردستان اینک ماسک کرد دوستی بر چهره زده است و اینگونه تبلیغ میکند که گویا مشغول ترمیم خرابیهای حاصل از جنگ است و بودجه هم برای اینکار در نظر گرفته است. اما بند ۱۵ ماسک از چهره این خائنان میدرد. بازگردیم به مسئله وحدت ارتش و سپاه پاسداران که رضائی و امثالهم برایش سینه چاک میکنند. بر زمینه طرح فوق میبایستی سپاه پاسداران و ارتش متحداً به پیش روند. اینان وحدت بایکدیگر را فقط و فقط در سرکوبی خلقهای بپا خاسته ایران میبینند. هر جا که صدای حق طلبان نمای بر میخیزد مشترکاً متحداً دست بکار میشوند تا این صد را خفه کنند، آنگونه که در ترکمن صحرا کردند و آنطور که در کردستان شاهد هستیم. هیئت حاکمه نیک میدانند که گسترش دامنه مبارزات خلق کرد به دیگر نقاط ایران، برایش گران تمام میشود و بهمین جهت با همه توان خود در صدد سرکوب خلق کرد است و برای اینکه در این امر پیروز شود، لازم میدانند که ارگانهای طبقه سرکوبگر را در یک هماهنگی منظم بایکدیگر بقیه در صفحه ۲

احکام بیدادگاههای رژیم جمهوری اسلامی:

* - حملات رژیم ضد خلقی به دانشگاهها که هدف سرکوبی انقلابیون و مبارزه با روحیه مبارزه و دگرگولان به شهادت رسیدن ، مجروح و دستگیر شدن آنها تن منجر شد . رژیم جمهوری اسلامی برای دستگیر شدن دانشگاههای فرمایشی ترتیب داده است . شاهد بودیم که فرامرز (حسن) حمید به جوخه اعدام سپرده شد . اینک بیدادگاه گیلان در مورد برخی از دستگیرشدگان فاجعه خونین دانشگاه گیلان ، احکام زیرین را صادر کرده است :

- فرامرز فرحی - استاد دانشگاه - حبس و اخراج از دانشگاه .

- رضانصر الهی - هنرجوی هنرستان صنعتی - ۳ ماه بازداشت .

- پرویز جهانپخش - دیلمه بیکار - ۳ ماه بازداشت و ۲ سال حبس تعلیقی .

- محمود ربیع ورزی - دیلمه بیکار - ۳ ماه زندان و دو سال حبس تعلیقی .

- دکتر جعفر بی آزار - استاد دانشگاه - یکماه بازداشت و دو سال حبس تعلیقی و اخراج تعلیقی از دانشگاه .

اما برآستی حبس تعلیقی برای چیست ؟ روشن است . رژیم میخواهد با اینگونه احکام بر کنترل خود بیفزاید و هرآنگاه که یک حرکت مبارزاتی در سطح شهر صورت گرفت و رژیم "صلحت" دید اینان را به اتهامات واهی دوباره دستگیر و روانه زندان سازد .

* - دو تن از فروشندگان نشریه "کار بنامهای مهرداد اسماعیلی - دانش آموز ، ساکن رودبار - و حسین قره داغی - شاگرد بنا ، ساکن رشت ، توسط بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی بترتیب به ۳ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق ، ۲۲ روز بازداشت و ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شدند . این است مفهوم آزادی از دید مرتجعان .

* - محمد رسول عزیزیان ساکن کرمان ، به "جرم" پخش نشریات ضد امپریالیستی "مفسد فی الارض" تشخیص داده شده و به اعدام محکوم شد .

آیا رژیم فاشیستی شاه جز این میکرد ؟ فقط در قاموس رژیمهای ارتجاعی ، فروش نشریات ضد امپریالیستی جرم شناخته میشود . به همین جهت است که رژیم جمهوری اسلامی وحشت زده از آگاهی توده ها ، که این نشریات در رشد آن نقش بسزایی را ایفا میکنند ، یک یک مبارزین را به رگبار گلوله می بندد ، به حبسهای طولی مدت محکوم میکند و از کار برکنار مینماید . ننگ و نفرت بر بیدادگاههای جمهوری اسلامی ، این وارشین دادرسی ارتش شاهنشاهی

"..... اگر آنها میخواهند مرا ظاهراً بجرم اشتباهات و اتفاقات و رویدادهائی که علی-رغم تأسف بار بود نشان بهر صورت در جریان یک مبارزه انقلابی صورت گرفته بهر صورت چیزی از واکنش در مقابل فشار وحشتناک و سرکوب کنند ، دشمن بوده و بهر صورت حادثه و واقعه ای مربوط به مسائل دین و خلق است - محاکمه و محکوم کنند ، بگذار همه بدانند که در این محاکمه ، در پس تشکیل چنین پرونده اقتضای آمیزی از اتهامات توخالی بر یک انقلابی شناخته شده و طرح یک چنین دعوی انتقامجویانه فردی و گروهی ای آنهاست . در یک دگرگولانقلابی که باید عوامل و عناصر وابسته به رژیم سابق و دست نشاندهان و وابستگان امپریالیسم را محاکمه کند ، چه توطئه ها ، چه دستهای ناپاک و نفاق افکنی ، چه تمایلات انحصارگرایانه و دیکتاتورآبانه چه آغاز شومی برای محاکمه عقاید و برای تشکیل دانشگاههای تفتیش عقاید بعد است بگذار خون من ، جان و زندگی من اولین قربانی باشد که مردم میباید برای درک یک چنین حقیقتی بدهند"

یادداشتهایی از زندان جمهوری اسلامی :

مجلس میدان...

گروهها را خود تربیت کرده اند و اینهم یکی از "افتخارات" آنهاست که بایستی برای تأیید اعتبار - نامه مورد توجه خاص قرار گیرد .

بهر حال ، از جنگ زرگری نمایندگان مجلس که بگذریم ، خط اشتراکشان را از همین صحبتها میتوان بخوبی یافت . آنچه که اینان را باید یکدیگر متوافق میسراند همانا دفاع از سیستم سرمایه داری و ضدیت با کمونیسم است . کمونیسم ایدئولوژی زحمتکشان میباشد و ضدیت با آن یعنی دشمنی آشکار با زحمتکشان . سرمایه داران و حافظان سیستم سرمایه داری دشمن آشقی ناپذیر زحمتکشان هستند و اینک مدافعان نظام سرمایه داری ، که در مجلس فرمایشی گرد هم آمده اند ، میکوشند تا گوی خصوصیت با زحمتکشان و دفاع از سرمایه داران را از یکدیگر بگریانند و حتی بایندارند از اینکه برای بروز بیشتر خصومتشان با کمونیستها این مدافعین واقعی زحمتکشان و سرکوب مبارزات محقانه خلق ، به تشکیل گروههای فاشیستی و ضد کمونیستی اعتراف نمایند

جزوه

تئوریک -

سیاسی

منتشر شد

رفیق شهید تقی شهرام